

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران

مریم احمدی^۱

^۱ کارشناس ارشد مردم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

نویسنده مسئول:

مریم احمدی

چکیده

مفهوم سرمایه اجتماعی بر نقش هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه های اجتماعی و تاثیرات این منابع بر بازیگران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره دارد. از کارکردهای مهم سرمایه اجتماعی می توان به افزایش ارتباطات و شکل گیری گروه های سیاسی و در نتیجه مشارکت بالای سیاسی در عرصه اجتماعی اشاره کرد. در این تحقیق سعی شده است که شاخص های سرمایه اجتماعی بررسی شده و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران سنجش شود. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی کارکنان شهرداری منطقه ۵ تهران در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۷ می باشد که تعداد آنها برابر آمار موجود در شهرداری ۵۲۰ نفر می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در مجموع ۲۷۳ نفر تعیین شد. روش انجام این پژوهش بصورت میدانی و با مصاحبه مستقیم با کارکنان و تکمیل پرسشنامه ها از آنها است. جهت بررسی سرمایه اجتماعی از سه بعد ساختاری، ارتباطی و شناختی استفاده شده و تأثیر هر یک از این ابعاد بر روی مشارکت سیاسی کارکنان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که بین ابعاد ساختاری، ارتباطی و شناختی سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. این بدین معناست که هر چه ابعاد سرمایه اجتماعی بهبود پیدا کنند سطح مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری منطقه ۵ تهران افزایش پیدا می کند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت، سیاست، شهرداری تهران

مقدمه

به نظر می رسد جوامع جدید و مدرن با برخی مسائل و مشکلات نو و پیچیده ای رو به رو هستند. نگرانی ها و دغدغه ها درباره خودخواهی، انزوای اجتماعی، کاهش احساس انسجام اجتماعی، گوشه گیری از دنیای سیاست و همچنین عدم مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان افزایش یافته است. از سوی دیگر به نظر می رسد اجماع گسترده ای در میان اندیشمندان وجود دارد که بر اساس آن تقویت پیوندهای اجتماعی و مدنی می تواند نقایص و کمبودهای جوامع مدرن را پوشش دهد و آن را جبران نماید. در سال های اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان راه حلی برای مسائل و مشکلات اجتماعی معرفی شده است که می تواند موجب پیوند شهروندان با نظام های اجتماعی و سیاسی شود و میزان تأثیرگذاری آنان را در حوضه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افزایش دهد. سرمایه اجتماعی از طریق افزایش سلامت، امنیت و ثروت شهروندان منجر به مردم سالاری در کشورها می شود. از این رو، پژوهش و مطالعه در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی امری مهم و ارزشمند است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و از طرف دیگر افزایش آن می تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه های اداره جامعه و نیز هزینه های عملیاتی سازمان ها شود. سرمایه اجتماعی را می توان حاصل پدیده هایی ذیل در یک سیستم اجتماعی دانست: اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کارگروهی (میرحاجی، ۱۳۹۰). برخی معتقدند این مفهوم به پیوندها و ارتباط ها میان اعضای یک شبکه، به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف اعضا می شود. سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم تر از سرمایه فیزیکی (مادی) و انسانی در جوامع ایفا می کند و شبکه های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان «انسان ها» است و بدون سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها، اثر بخشی خود را از دست می دهند.

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش های اجتماعی می شود، به طوری که در مواقع بحرانی می توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد.

اگر سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه های اجتماعی ای که می توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه های مورد بحث ایجاد کنند بدانیم، آن چه بیش از پیش اهمیت پیدا می کند نقش نهادهای جامعه مدنی در تشکل این سرمایه است. اگر کارکنان مانند عنصری از یک سازمان مدنی به صورت همیشگی همدیگر را ملاقات کنند، احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر در آنها پیدا می شود و می توانند به همدیگر اعتماد کرده و در نهایت با هم همکاری کنند. برای اینکه احساس اطمینان در بین باشد لازم است که کارکنان همدیگر را ملاقات کنند و ارتباط مدام با هم داشته باشند. منظور از با هم بودن کارکنان، ایجاد نهادهای اجتماعی ای است که کارکرد دیدار، شناخت و در نهایت اعتماد را میسر می کنند. البته حتماً لازم نیست که ارتباط پیش گفته تنها در داخل نهادهای جامعه مدنی باشد بلکه بیشتر روش ها و فرم های اجتماعی را نیز که ارتباط مداوم و سازماندهی شده دارند، در برمی گیرد. اما نباید از یاد برد که اعتماد و حس همکاری با شیوه ای آسان تر در داخل نهادهای جامعه مدنی درست می شوند؛ به این دلیل که اعضای آن نهادها به دلخواه و بدون هیچ چشم داشتی به عضویت آن نهادها درمی آیند (موحد، ۱۳۸۷). اگر سرمایه اجتماعی در بین کارکنان کم رنگ شده و از بین برود، تعاملات و اعتماد در میان آنها کاهش یافته و شبکه های اجتماعی تضعیف شده و در نهایت بر مشارکت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کارکنان در جامعه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی ملت ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم به شکلی حساس تر خود را نشان می دهد. دولت ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن دهند. از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط مشی های سیاسی بر فرهنگ توسعه یافته و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد. سیاسی بودن کارکنان در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد و نسبت به مسائل داخلی و خارجی و جریان های موجود دارای بینش و تحلیل سیاسی باشد، از جمله ضرورت های حیات سیاسی کارکنان و لازمه توسعه سیاسی است. همچنین تبیین کارکردهای سازمان ها به عنوان یکی از بخش های ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور و نقشی که کارکنان در این زمینه به عهده دارد، به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی کارکنان است. از این رو پرداختن به مقوله مشارکت سیاسی از منظر کارکنان می تواند روشنگر یکی از ابعاد توسعه یافتگی باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶۴).

آن گونه که انتظار می رود، حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی در هر نظام سیاسی، حقی طبیعی است که آوردن دلیل برای آن، شاید ضروری به نظر نرسد. امروز این مسئله با حاکمیت و فراگیر شدن گفتمان مردم سالاری و دموکراسی، دیگر به امری بدیهی تبدیل شده که

مبانی نظام‌های دموکراتیک دنیاست. اما باوجود این بداهت، باز هم مشاهده می‌شود که معمولاً در انتخابات مختلف در تمامی کشورها و از جمله جمهوری اسلامی، برخی ترجیح می‌دهند تا از این حق قانونی خود استفاده نکنند. بررسی چرایی این مسئله، ما را به آنجا رساند که در مجموع، سه دسته عامل که موجب ناآگاهی، بی‌اعتمادی و نارضایتی است موجب می‌شود که افراد از حضور در پای صندوق‌های رأی اعراض کنند. برای حل این معضل و افزایش مشارکت سیاسی و رسیدن به مشارکت حداکثری که منجر به تقویت نظام‌های سیاسی خواهد شد، سه سیاست ۱- آگاه‌سازی، ۲- اعتمادسازی و ۳- رضایت‌مندسازی پیشنهاد می‌شود که می‌توان در ذیل هر یک از این سیاست‌ها، راهکارهای تفصیلی مختلفی را مورد توجه قرار داد (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

در این راستا عوامل مختلفی می‌تواند بر روی مشارکت سیاسی کارکنان تأثیر گذارند که از آن جمله می‌توان به سرمایه اجتماعی اشاره نمود. با توجه به آنچه بیان شد این تحقیق با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران انجام شده است.

پیشینه تحقیقاتی

موحد و همکاران (۱۳۸۷) در پیمایشی با عنوان "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی زنان هیجده سال به بالای شهر شیراز)" با جدا کردن ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی و درنظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی و شیوه مشارکت، دریافته اند که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و اندازه مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد. امام جمعه زاده و مرندي (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان دختر در دانشگاه فردوسی مشهد پرداخته اند. در این تحقیق با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، شبکه های اجتماعی و انجمن های داوطلبانه) به همراه در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی مشاهده شد که همبستگی های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد. ویسه و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان بیان نمودند که باید اعتماد اجتماعی را در میان زنان افزایش داد و اینکه زنان باید نسبت به دیگران و نهادهای اجتماعی و حکومتی اعتماد بیشتری داشته باشند و نظر مثبت و با دیدی مثبت بین به عملکرد و اهداف سازمان ها و افراد حاضر در جامعه نظر داشته باشند و زنان باید در گروه های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... حضور داشته باشند و توانایی های خود را در عرصه ظهور و رشد قرار دهند. همین طور بانوان باید در مجامع مختلف نظامی، حکومتی و ... مشارکت داشته باشند و در این نقش ها و وظایف اجتماعی نقش آفرین باشند و حضوری پرشور و قابل توجه داشته باشند. اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه ای با عنوان "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان" بیان نمودند که هر چه افراد اعتماد بیشتری به افراد دیگر و مسئولین نظام داشته باشند و به نهاد ها و سازمان های اجتماعی درون جامعه اعتماد بیشتری داشته باشند و با هم و با نظام از یکپارچگی بیشتری برخوردار باشند و تعاملات و مشارکت های سازنده بیشتری داشته باشند، مشارکت سیاسی آن ها در عرصه های مختلف سیاسی بیشتر خواهد بود.

لیک و هاگفلد (۱۹۹۸) در مقاله ای با عنوان "سرمایه اجتماعی، شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی" به این نتیجه می رسند که سرمایه اجتماعی سیاسی (سرمایه اجتماعی که تعاملات سیاسی را تسهیل می کند) در شبکه های بینا شخصی تولید می شود، و این افزایش سطح سرمایه اجتماعی سیاسی احتمال مشارکت شهروندان در فعالیت های سیاسی را افزایش می دهد. علاوه بر این، آنها تأکید می کنند که تولید سرمایه اجتماعی سیاسی تابعی از تخصص های سیاسی در درون شبکه روابط فردی، تداوم تعاملات سیاسی در داخل شبکه و اندازه یا گستردگی شبکه می باشد. اولزورم (۲۰۰۲) استدلال می کند که عضویت سازمانی با ترویج مشارکت سیاسی ارتباط دارد، و علت این امر مربوط به تقویت فرهنگ سیاسی مشارکتی و آگاهانه است. اونیل (۲۰۰۴) در بررسی خود زیر عنوان "جنسیت، مذهبی، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بر تعهدگرایی مذهب بعنوان یک عنصر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان زنان آمریکا" انگشت می گذارد. نتایج این مطالعه وجود رابطه میان باورها و فعالیت های مذهبی با رفتارهای سیاسی را نشان می دهد. به باور او تعهد مذهبی زنان فرصت هایی برای در اختیار گرفتن زمینه گسترده ای از فعالیت ها برای آنان فراهم کرده است و دامنه مهارت های اجتماعی زنان را نیز گسترش می دهد. بری (۲۰۰۵)، در مقاله ای با عنوان مشارکت سیاسی زنان: مسائل و چالش ها می نویسد موانع ساختاری و کارکردی که در برابر مشارکت سیاسی زنان وجود دارد، محصول روابط اجتماعی و سیاسی موجود در یک جامعه است. وی همچنین معتقد که به دلیل عدم حضور زنان در رأس اجتماعات انسانی، آنان از وسایل مشارکت سیاسی مانند مهارت های سیاسی، منابع اقتصادی، آموزش، یادگیری و دسترسی به اطلاعات محرومند و فرصت های آموزش، سلامت و اشتغال، به طور مستقیم، با توانایی زنان در خلق فضای مناسب مرتبط با سیاست و توسعه پیوند دارد. اسکوریک و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله ای با عنوان "سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور" به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته اند. آنها در پژوهش خود این مسئله را بررسی

کرده اند که آیا شبکه های اجتماعی می توانند راه را برای احیای مشارکت سیاسی هموار کنند. نتیجه گیری آنها این بود که شواهدی وجود دارد که شبکه های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد. تنی و هانکوپنت (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا" به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می پردازد. آنها جوانان بلژیکی را به شش گروه اصلی طبقه بندی می کنند که میان این شش گروه، دو طبقه از آنها یعنی متعهدان و دینداران فعالیت بیشتری در حوزه های سیاسی داشتند. طبقه متعهدان دارای سرمایه اجتماعی بالا که بیشتر شامل جوانان بومی بلژیکی بودند، دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالایی بودند و در مسائل مختلف سیاسی فعالیت می کردند، اما طبقه دینداران که بیشتر شامل اقلیت های قومی و دینی بودند، نسبت به دیگر طبقات از پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین تری برخوردار بودند و در حوزه های سیاسی محدودتر و خاص تری فعالیت می کردند

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب^۱ در سال ۱۹۶۱ با عنوان مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا، به کار رفته است. در آن اثر، ایشان توضیح داده اند که شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابان و دیگر تصمیم ها در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می دهند. گلن لوری^۲ اقتصاددان همچون ایوان لایت^۳ جامعه شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف اقتصاد درون شهری به کار بردند (گلباغ اسدی، ۱۳۸۷).

از طرفی دیگر واژه سرمایه دلالت می کند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی ما را قادر می سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، مأموریت هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می کنیم. وقتی می گوییم سرمایه های اجتماعی زاینده و مولد هستند، منظور این است که هیچ کس بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی ماند.

سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و باعث پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می شود (فوکویاما، ۱۹۹۷). از آنجایی که سرمایه اجتماعی نقش موثری در کاهش هزینه های فعالیت ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است: فرضیه اساسی در تبیین سرمایه اجتماعی این است که افراد خانواده با گرد هم آمدن در قابل یک نهاد اجتماعی، سرمایه اجتماعی را شکل می دهند، پاداش های آن در شکل حمایت های مادی و معنوی به آنها در زندگی اجتماعی بروز می کند. در مجموع سرمایه اجتماعی بنیان توسعه پایدار و همه جانبه را تشکیل می دهد. تلاش برای تشکیل توسعه و تداوم چنین سرمایه ای که کنار سایر انواع سرمایه ها چون سرمایه طبیعی، تولیدی و انسانی ضریب موفقیت برنامه های بلند مدت توسعه را دو چندان خواهد کرد (جهانگیری و شکری زاده، ۱۳۸۹).

این مفهوم به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمام موضوعات و مسائل مطرح در حوزه انسانی و اجتماعی ارتباط پیدا می کند. این ارتباط و پیوند هر چند که در نوع خود بیانگر اهمیت کارکردی سرمایه اجتماعی می باشد. لیکن موجب پیچیدگی، گستردگی و تنوع موضوع نیز شده است که برآیند آن را می توان در چند وجهی بودن، اختیار نمودن سطوح و واحدهای تحلیلی متعدد و پیچیدگی مفهومی جستجو کرد. شناخت سرمایه اجتماعی در درجه نخست مستلزم بررسی ابعاد مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی به رغم تنوع قابل ملاحظه آن است تا پایه و مبنایی برای طرح ابعاد علمياتی فراهم شود (گلباغ اسدی، ۱۳۸۷).

نظریه های سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۱- نظریه پیوندهای ضعیف: اولین تئوری برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی، نظریه پیوندهای ضعیف است. مطابق این نظریه، هر چه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و به عکس هر چه شدت و استحکام این روابط ضعیف تر باشد نشان دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است (سایبرت، ۲۰۰۱).

۱. Jine Jakoub

۲. Gelan Lory

۳. Ivan Lighte

۲- نظریه شکاف ساختاری: مطابق نظریه شکاف ساختاری، اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند یا حداقل ارتباط اندکی با هم دارند، ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد (سایبرت، ۲۰۰۱). منظور از شکاف در این نظریه، فقدان ارتباط میان دو فرد در یک شبکه اجتماعی است، که مزیتی برای سازمان تلقی می شود.

۳- نظریه منابع اجتماعی: این نظریه که ریشه های آن به مطالعات «لین و کاتور» در سال ۱۹۸۱ می رسد، پیوندهای موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی داند. از دیدگاه این نظریه فقط منابع موجود در درون شبکه است که می تواند به عنوان یک سرمایه قلمداد شود (کاملی و حبیب زاده، ۱۳۸۹)، به عبارتی، نظریه پیوندهای ضعیف و شکاف ساختاری هر دو بر «ساختار» شبکه ها معطوف هستند در حالیکه نظریه منابع اجتماعی به «محتوی شبکه» توجه دارد.

سرمایه اجتماعی را می توان به شرح زیر تقسیم نمود:

۱- سرمایه اجتماعی گروهی^۱: این نوع سرمایه اجتماعی اغلب در بین اعضای یک خانواده و یا در میان اعضای یک گروه مذهبی وجود دارد. صله رحم، دید و بازدیدهای خانوادگی و همچنین جلسات مذهبی و برگزاری اعیاد و مراسم مذهبی از کارکردهای این نوع سرمایه اجتماعی است.

۲- سرمایه اجتماعی بین گروهی^۲: توسط گروه های عرضی ولی ضعیف تر از سرمایه اجتماعی گروهی، مشخص می شود. مشارکت های فعالیتی، آشنایی با دیگران، دوستی بین اعضای گروه های مختلف در حقیقت می توان این نوع سرمایه اجتماعی را بین گروهی (گروه های قوی مثل خانواده و گروه های مذهبی) قلمداد کرد.

۳- سرمایه اجتماعی ارتباطی^۳: که توسط ارتباط بین افرادی که به طبقات مختلف قدرت و یا منزلت اجتماعی متفاوتی تعلق دارند مشخص می شود. ارتباط بین نخبگان و مردم عادی و همچنین ارتباط بین افراد از طبقات مختلف اجتماعی با یکدیگر از این نوع سرمایه اجتماعی محسوب می شود. طبقه بندی فوق بر اساس قوت و ضعف گروه های اجتماعی صورت گرفته است. سرمایه اجتماعی ملی می تواند از ترکیبی از همه نوع سرمایه های فوق باشد که در یک مدل تجمیعی با هم ترکیب شده و سرمایه ملی را شکل می دهند. یک جامعه ایده آل جامعه ای است که سرمایه ملی اجتماعی آن جامعه در تمامی ابعاد فوق حداکثر باشد یعنی اعتماد و فداکاری و ایثار و تعاون و همکاری در بین اعضای خانواده و یا بین گروه ها و بین اعضای مختلف از طبقات قدرت و منزلت اجتماعی در حداکثر کارکرد ممکن خود باشد (میرحاجی، ۱۳۹۲).

سرمایه اجتماعی مفهومی کلی از اجزای متفاوتی تشکیل شده است. این اجزا دارایی های یک جامعه می تواند باشد که هیچ کسی به طور فردی مالک تمام آنها نیست. این نوع سرمایه تنها در صورت تملک جمعی معنی پیدا می کند و یک نفر هرگز نمی تواند ملاک وجود سرمایه اجتماعی در جامعه باشد. این ابعاد عبارتند از: اعتماد اجتماعی، ارزش های اجتماعی و فرهنگی (احترام به بزرگترها، وفاداری به عهد، خوش قولی و قراری) امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آگاهی و شناخت، انسجام اجتماعی و سرمایه فرهنگی (گلباغ اسدی، ۱۳۸۷).

مشارکت سیاسی به فرایندی گفته می شود که در آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه های جامعه توزیع می شود، به گونه ای که همه شهروندان و گروه های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم گیری، سیاست گذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهارنظر و انتخاب کردن و رأی دادن بهره مند باشند (عابدی اردکانی و قزوی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، مفهوم کلی مشارکت را سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن می داند (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۷). همچنین مشارکت سیاسی، فعالیت های داوطلبانه ای دانسته شده است که اعضای یک جامعه برای گزینش مستقیم یا غیرمستقیم فرمانروایان در شکل گیری سیاست های عمومی انجام می دهند. نویسندگان فرهنگ جامعه شناسی، مشارکت سیاسی را شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می انجامد و سیاست عمومی را تعیین می کند یا بر آن اثر می گذارد، تعریف کرده اند. در تعریفی دیگر، مشارکت سیاسی به فرایندی گفته می شود که در آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه های جامعه توزیع می شود، به گونه ای که همه شهروندان و گروه های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم گیری، سیاست گذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهارنظر و انتخاب کردن و رأی دادن بهره مند باشند. پاره ای از

1. Bonding Social Capital

2. Briding Social Capital

3. Linking Social Capital

کارشناسان نیز مشارکت سیاسی را درگیر شدن در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می دانند (راش، ۱۳۸۷).

در تبیین مشارکت سیاسی از دو نظریه مهم یاد می گردد:

۱- نظریه های ابزاری: که مشارکت را وسیله ای برای رسیدن به یک هدف برای فرد یا گروهی از افراد می داند. طبق نظریه ابزاری، افراد مشارکت سیاسی را نه به عنوان یک هدف مهم و یا یک نظریه و تکلیف، بلکه به عنوان یک ابزاری برای رسیدن به اهداف خود تلقی می کنند. هرگاه شهروندان احساس کنند که می توانند از این وسیله برای رسیدن به اهداف خود بهره برداری کنند دست به نوعی مشارکت سیاسی خواهند زد (کلانتری، ۱۳۸۴، ۲۷۷).

۲- نظریه های تکاملی: که مشارکت در امور سیاسی را به منزله مسئولیت اجتماعی در نظر می گیرند. بنابراین یک شهروند آرمانی بدون اثر و نتیجه فردی و در جهت منافع جامعه، در امور سیاسی و حکومتی مشارکت تام دارد. مشارکت یک تجربه یادگیری که شهروند را نه تنها آگاه از حقوق خود، بلکه آگاه از وظایف و مسئولیت هایش پرورش دهد (کلانتری، ۱۳۸۴، ۲۷۷).

بسیاری از مطالعات نشان داده اند که شواهد قابل توجهی در ارتباط با رابطه شبکه های اجتماعی با مشارکت سیاسی وجود دارد. وربا و همکاران (۱۹۹۵) نویسندگان کتاب صدا و برابری نشان می دهند احتمال بیشتری وجود دارد که افراد درون شبکه های اجتماعی به مشارکت سیاسی علاقه مند باشند. آنها گزارش می دهند که روابط شخصی، دوستانه، خانواده و آشنایان تا حد زیادی بر مشارکت سیاسی تاثیر می گذارد. بالاترین میزان تاثیر این شبکه ها بر فعالیت های اجتماعی (۶۷ درصد)، فعالیت های اعتراضی (۶۸ درصد)، و کارهای تبلیغاتی (۵۶ درصد) بودند.

نوک، در نظر سنجی عمومی سال ۱۹۸۷، نشان می دهد که شبکه های اجتماعی خود محور می توانند ماهیت مشارکت در انتخابات ملی را پیش بینی کنند. او گزارش می دهد که در اغلب موارد مردم با دوستان خود در مورد مسائل سیاسی بحث می کنند، که این امر علاقه و مشارکت آنها در مناقشات ملی و انتخاباتی را افزایش می دهد. نوک همچنین دریافت که عضویت پاسخ دهندگان در دیگر شبکه ها دارای اثرات کمی هستند و اگر اعضای انجمن های داوطلبانه در مورد مسائل سیاسی بحث کنند احتمال بیشتری برای مشارکت در امور سازمانی و در جامعه محلی دارند (نوک، ۱۹۹۰). اسکوسمن و سول دریافتند هم که پاسخ به اعتراضات سیاسی قوی ترین پیش بینی کننده مشارکت سیاسی است. البته آنها همچنین معتقدند که ویژگی های فردی دیگر از قبیل علایق سیاسی و روابط اجتماعی پیش بینی کننده های مهمی در مشارکت سیاسی هستند (اسکوسمن و سول، ۱۹۹۹: ۱۰۸۳-۱۱۰۸).

فرضیه ها

- ۱- رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران وجود دارد
- ۲- رابطه معناداری بین بعد ساختاری و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران وجود دارد
- ۳- رابطه معناداری بین بعد ارتباطی و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران وجود دارد
- ۴- رابطه معناداری بین بعد شناختی و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران وجود دارد

روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است. این تحقیق از نظر دسته بندی تحقیقات نیز بر حسب نحوه گردآوری داده ها، توصیفی-همبستگی به شمار می رود که توصیف ویژگی های نمونه و سپس تعمیم این ویژگی ها به جامعه آماری پرداخته است. تحقیقات توصیفی خود بر چند دسته هستند که این پژوهش از نوع پیمایشی آن می باشد. با توجه به زمان جمع آوری داده ها، این مطالعه از نوع پژوهش های مقطعی می باشد. جامعه آماری این تحقیق ۵۲۰ نفر از کارکنان شهرداری منطقه ۵ تهران می باشند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران (۱۹۷۰) ۲۷۳ نفر تعیین شد. روش انجام این پژوهش بصورت پیمایشی و با مصاحبه نیمه ساختارمند با کارمندان و تکمیل پرسشنامه ها از آنها است. برای تعیین روایی و جهت معتبر سازی محتوای پرسشنامه های تحقیق از نظر متخصصان، اساتید راهنما و کارشناسان استفاده گردید و از نظرات آنها در اصلاح پرسشنامه استفاده به عمل آمد به نحوی که در این مرحله تعدادی سؤال حذف و تعدادی هم اصلاح گردید و مواردی هم به سؤالات پرسشنامه اضافه شده است. پایایی یا قابلیت اعتماد پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰/۹ و برای پرسشنامه مشارکت سیاسی ۰/۸۱ بدست آمد.

بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق تجزیه و تحلیل داده ها به صورت زیر انجام شد:

- ۱- برای بررسی نرمال بودن اطلاعات جمع آوری شده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. ۲- برای تعیین همبستگی بین سه بعد سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی و ارتباطی) با مشارکت سیاسی کارکنان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ۳-

جهت تعیین سهم هر یک از سه بعد سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی و ارتباطی) با متغیر مشارکت سیاسی کارکنان از آزمون رگرسیون چندگانه توأم (Enter) استفاده شد. معادله رگرسیون چندگانه توأم به صورت رابطه (۱) است:

$$\hat{Y} = a + b_1 X_1 + b_2 X_2 + b_3 X_3 + \dots + b_n X_n \quad (1)$$

که در این فرمول $\hat{Y}$: مقدار پیش بینی شده متغیر Y (متغیر وابسته)، a : مقدار ثابت یا عرض از مبدأ نقطه تقاطع خط رگرسیون با محور Y ، b : ضریب رگرسیون یا شیب منحنی و X =مقادیر متغیرهای مستقل. تجزیه و تحلیل داده ها در این بخش بوسیله نرم افزار SPSS21 انجام شده است.

یافته‌ها

توصیف کمی و بررسی شاخص‌های ابعاد سرمایه اجتماعی

درمجموع برای ارزیابی و سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های سه‌گانه (بعد ساختاری، بعد ارتباطی و بعد شناختی) استفاده شده است. این متغیر در مجموع از ۲۷ گویه در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل ۵ گزینه‌ای (خیلی کم، کم، مخالفم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) طراحی شده است. با توجه به جدول (۱) میانگین امتیاز شاخص‌های بعد ساختاری، بعد ارتباطی و بعد شناختی به ترتیب ۲/۸۵، ۳/۲۶ و ۳/۲۴ است.

جدول ۱- مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص ابعاد سرمایه اجتماعی (n=۲۷۳)

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	مد	کمینه	بیشینه
بعد ساختاری	۲/۸۵	۰/۶۸	۲	۱	۵
بعد ارتباطی	۳/۲۶	۰/۴۸	۳	۱	۵
بعد شناختی	۳/۲۴	۰/۴۹	۳	۱	۵

توصیف کمی و بررسی شاخص‌های مشارکت سیاسی کارکنان

در مجموع برای ارزیابی و سنجش متغیر مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران در مجموع از ۱۴ گویه در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل ۵ گزینه‌ای (خیلی کم، کم، مخالفم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) طراحی شده است. با توجه به جدول (۲) میانگین امتیاز شاخص‌های مشارکت سیاسی برابر با ۲/۸۳، مد برابر با ۲، بیشترین مقدار برابر با ۵، کمترین مقدار برابر با ۱ و با انحراف معیار ۰/۶۱ است.

جدول ۴-۴- مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص مؤلفه مشارکت سیاسی (n=۲۷۳)

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	مد	کمینه	بیشینه
مشارکت سیاسی	۲/۸۳	۰/۶۱	۲	۱	۵

نرمال بودن توزیع داده‌ها

قبل از تحلیل داده ها در ابتدا به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف پرداخته شد. جدول ۴-۵ یافته‌های حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف را نشان می دهد، این آزمون نشان می دهد که آیا داده های آماری از توزیع نرمال برخوردارند یا خیر؟ همانطور که در جدول مشاهده می شود در تمامی متغیرها، سطح معنی داری بیش از ۰/۰۵ است که فرض عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها رد می شود، بنابراین داده ها از توزیع نرمال برخوردار هستند (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	تعداد	آماره کولموگروف اسمیرنوف	سطح معنی داری
بعد ساختاری	۲۷۳	۰/۷۱	۰/۷۲
بعد ارتباطی	۲۷۳	۰/۴۳	۰/۹۹
بعد شناختی	۲۷۳	۰/۶۸	۰/۷۶
مشارکت سیاسی	۲۷۳	۰/۵۳	۰/۹۳

تحلیل داده‌ها (بررسی فرضیه‌های تحقیق)

همبستگی بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان (فرضیه ۱)

H₀: بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود ندارد.

H₁: بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مشارک سیاسی کارکنان افزایش می‌یابد (جدول ۴). لذا فرضیه تحقیق تأیید و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۴- نتایج بررسی همبستگی بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

متغیرها	سطح معنی‌داری	r	وجود رابطه	نوع رابطه
سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی	۰/۰۰۱	+۰/۵۸	دارد	مستقیم

همبستگی بین بعد ساختاری با مشارکت سیاسی کارکنان (فرضیه ۲)

H₀: بین بعد ساختاری با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود ندارد.

H₁: بین بعد ساختاری با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان بعد ساختاری با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با بهبود شاخص‌های بعد ساختاری، مشارک سیاسی کارکنان افزایش می‌یابد (جدول ۵). لذا فرضیه تحقیق تأیید و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۵- نتایج بررسی همبستگی بین بعد ساختاری با مشارکت سیاسی

متغیرها	سطح معنی‌داری	r	وجود رابطه	نوع رابطه
بعد ساختاری با مشارکت سیاسی	۰/۰۰۱	+۰/۴۶	دارد	مستقیم

همبستگی بین بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی کارکنان (فرضیه ۳)

H₀: بین بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود ندارد.

H₁: بین بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد (جدول ۶). لذا فرضیه تحقیق تأیید و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۶- نتایج بررسی همبستگی بین بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی

متغیرها	سطح معنی‌داری	r	وجود رابطه	نوع رابطه
بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی	۰/۰۰۱	+۰/۶۸	دارد	مستقیم

همبستگی بین بعد شناختی با مشارکت سیاسی کارکنان (فرضیه ۴)

H₀: بین بعد شناختی با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود ندارد.

H₁: بین بعد شناختی با مشارکت سیاسی کارکنان، رابطه وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان بعد شناختی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با افزایش شاخص‌های بعد شناختی، مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری بیشتر می‌شود (جدول ۷). لذا فرضیه تحقیق تأیید و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۷- نتایج بررسی همبستگی بین بعد شناختی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری

متغیرها	سطح معنی داری	r	وجود رابطه	نوع رابطه
بعد شناختی با مشارکت سیاسی	۰/۰۰۱	+۰/۵	دارد	مستقیم

تعیین نوع و میزان سهم هر یک از سه بعد سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی و ارتباطی) بر مشارکت سیاسی جهت تعیین سهم هر یک از سه بعد سرمایه اجتماعی (ساختاری، شناختی و ارتباطی) بر مشارکت سیاسی در بین کارکنان شهرداری تهران از آزمون رگرسیون چندگانه توأم (Enter) استفاده شد. با توجه به نتایج مشخص گردید که سه عامل ساختاری، شناختی و ارتباطی بر مشارکت سیاسی کارکنان مؤثر بوده به صورتی که میزان ضریب تعیین (R2) ۲۸ درصد و با سطح اطمینان ۹۹ درصد برآورد شده است. همچنین در این تحلیل میزان ضریب همبستگی چندگانه (R) ۵۰ درصد می باشد (جدول ۸).

جدول ۸- بررسی ارتباط بین سه عامل ساختاری، شناختی و ارتباطی بر مشارکت سیاسی به روش رگرسیون چندگانه

متغیر وابسته وارد شده به مدل	متغیرهای مستقل وارد شده به مدل	R	R ²	F	سطح معنی داری
مشارکت سیاسی	ساختاری، شناختی و ارتباطی	۰/۵	۰/۲۸	۳۸/۷۱	۰/۰۰۱

بر اساس نقش و سهم هر یک از متغیرها بر مشارکت سیاسی در بین کارکنان شهرداری تهران می توان معادله رگرسیون را به شرح زیر ارائه داد:

$$\hat{Y} = 48/36 + 0/68 X_1 + 0/27 X_2 + 0/67 X_3$$

با توجه به جدول (۹) هر سه متغیر مستقل (ساختاری، شناختی و ارتباطی) در پیش بینی متغیر وابسته (مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران) تأثیر داشتند. در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی متغیر وابسته از مقادیر ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta) استفاده شد. با توجه به نتایج می توان قضاوت کرد که متغیر ارتباطی به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با متغیرهای ساختاری و شناختی در پیشگویی متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) داشته اند. زیرا با توجه به برآورد ضریب رگرسیونی استاندارد با یک واحد افزایش شاخص های ارتباطی احتمال مشارکت سیاسی ۰/۲۵ واحد افزایش خواهد یافت. در حالی که یک واحد تغییر در شاخص های شناختی و ساختاری باعث می شود موفقیت سازمانی تنها ۰/۱۷ و ۰/۱۴ واحد افزایش یابد.

جدول ۹- تعیین اهمیت نسبی متغیرها و میزان تأثیر آنها بر مشارکت سیاسی

متغیرهای وارد شده به مدل	ضرایب رگرسیونی (B)	ضرایب رگرسیونی استاندارد (Beta)	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۴۸/۳۵	-	۲/۷۱	۱۷/۵۲	۰/۰۰۱
ساختاری	۰/۶۸	۰/۱۴	۰/۱۵	۳/۶۳	۰/۰۰۱
شناختی	۰/۲۷	۰/۱۷	۰/۱۴	۳/۷	۰/۰۰۱
ارتباطی	۰/۶۷	۰/۲۵	۰/۱	۷/۶۴	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

در کنار تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، وضعیت و جایگاه کارکنان در جامعه به لحاظ سرمایه اجتماعی می تواند در ارتباط با مشارکت سیاسی قرار بگیرد. موضوع مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران، لزوم توجه به عوامل مرتبط با آن را ضروری می سازد. هدف از این تحقیق بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران می باشد. نتایج همبستگی نشان می دهد که میان سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی داری وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی نشان می دهد که با بهبود شاخص های سرمایه اجتماعی، مشارک سیاسی کارکنان شهرداری تهران افزایش می یابد. بر اساس نتایج تحقیقات کوینتر و همکارانش (۲۰۱۱) در اختیار داشتن شبکه های گوناگون اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی مدنی، مشارکت سیاسی را افزایش می دهد و این امر به نوبه خود باعث تماس های سیاسی گوناگون با دیگران می شود.

همچنین نتایج همبستگی نشان می دهد که میان بعد ساختاری با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی داری وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی نشان می دهد که با بهبود شاخص های بعد ساختاری، مشارک سیاسی کارکنان افزایش می یابد. هر چه روابط فی ما بین کارکنان سیالتر و بدون موانع بازدارنده باشد و یا به عبارتی این روابط از روی تمایل و حسن نیت و به دور از اجبار و با استفاده از تجربیات سیاسی یکدیگر باشد مسلماً کارکنان از چنین روابطی استقبال خواهند نمود که حاصل آن ارائه همکاری های صمیمانه و تبادل دانش و اطلاعات و ارتباطات مؤثر بین کارکنان بدون هیچ هزینه اضافی خواهد بود که چنین ویژگی هایی از محاسن سرمایه اجتماعی به شمار می روند. این بخش از تحقیق با نتایج مطالعات موحد و همکاران (۱۳۸۷) و اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۴) که بیان می دارند هر چه روابط در سازمان غیر رسمی تر، شدت و استحکام روابط میان اعضا مناسب تر و اندازه شبکه های موجود در سازمان وسیع و کمتر تحمیلی بوده و اجبار برای تبعیت کمتر باشد در نتیجه سرمایه اجتماعی در بین اعضای این گروه ها بیشتر بوده که این باعث تقویت مشارکت سیاسی می گردد، همسویی دارد.

همچنین نتایج همبستگی نشان می دهد که میان بعد ارتباطی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی داری وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی نشان می دهد که با افزایش شاخص های ارتباطی، مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران بیشتر می شود. بنابراین بعد ارتباطی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی کارکنان می باشد. شاخص هایی مانند اعتماد، هنجارها، انتظارات و روابط متقابل و همچنین هویت مشترک از جمله مهمترین این عوامل می باشند. اعتماد یکی از شاخص های عوامل ارتباطی است. زمانی که کارکنان نسبت به یکدیگر و گروه های سیاسی که عضو آن هستند اعتماد دارند اطلاعات و دانسته های خود را راحت تر و با رضایت بیشتر در اختیار دیگران قرار داده و تعاملات مناسب تری نیز بین آنها ایجاد می شود. این ارتباطات و تعاملات مناسب باعث تقویت مشارکت سیاسی آنها می گردد (مهجری و ستوان، ۱۳۹۴).

نتایج نشان می دهد که میان بعد شناختی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران رابطه معنی داری وجود دارد. علامت مثبت ضریب همبستگی نشان می دهد که با افزایش شاخص های بعد شناختی، مشارکت سیاسی کارکنان بیشتر می شود. بنابراین با توجه به این نتایج می توان گفت بعد شناختی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران می باشد و ارتباط مستقیمی بین بعد شناختی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارکنان وجود دارد. هر چه میزان همکاری و تعامل و مشورت بین اعضای یک گروه افزایش پیدا کند به طبع آن دیدگاه های افراد به یکدیگر نزدیکتر شده و تلاش برای پیش برد اهداف جمعی افزایش می یابد و محیط مناسب و با انگیزه بهتری را برای افراد فراهم می سازد. این بخش از نتایج با دیدگاه ویسه و همکاران (۱۳۹۳) و اسکوریک و همکاران (۲۰۰۹) همسویی دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه توأم مجموعاً ۲۸ درصد از واریانس مشارکت سیاسی در بین کارکنان شهرداری تهران توسط سه بعد سرمایه اجتماعی (ارتباطی، شناختی و ساختاری) تعیین می شود. همچنین با توجه به برآورد ضریب رگرسیونی استاندارد نتایج نشان داد مهمترین شاخص ها در پیشگویی مشارکت کارکنان شهرداری تهران به ترتیب عامل ارتباطی، شناختی و ساختاری می باشند. این بخش از نتایج با مطالعات موحد و همکاران (۱۳۸۷)، اسمعیلی و همکاران (۱۳۹۴)، امام جمعه زاده و مرندی (۱۳۹۰)، ویسه و همکاران (۱۳۹۳) و تنی و هانکویت (۲۰۱۲) که با بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی بیان نمودند که بین سه بعد سرمایه اجتماعی (ارتباطی، شناختی و ساختاری) با مشارکت سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد مطابقت دارد.

در مجموع رابطه ی هر سه بعد سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی کارکنان شهرداری تهران معنی دار است. نتایج فوق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی کارکنان که حکایت از منابع موجود در گروه های اجتماعی مرتبط با آنان و گستردگی شبکه ی روابط اجتماعی دارد، بر میزان روی آوردن ایشان به فعالیت های سیاسی مؤثر است. نتایج حاکی از این پژوهش نشان می دهد هر اندازه افراد در این ساختار دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، به این معنا که این سرمایه اجتماعی شامل مجموعه ای ارزشمند از شناخت و اعتماد متقابل بین افراد، وجود شبکه های ارتباطی و تعاملات اجتماعی باشد، فعالیت های انتخاباتی، ارتباطات سیاسی و عضویت در گروه های سیاسی افراد بیشتر

خواهد بود. به این ترتیب مشارکت و سرمایه اجتماعی ارتباط دوسویه و متقابلی دارند و افزایش هر یک موجب بالا رفتن سطح دیگری در جامعه خواهد شد. در کشورهایی مانند ایران که کارکنان مشارکت را ضروری می دانند، اما معتقدند زمینه مناسبی برای اجرایی شدن آن وجود ندارد، می توان امید داشت که با اصلاح زیرساخت ها، فرهنگ سازی و رفع مشکلات معیشتی، مشارکت مردمی و به دنبال آن سطح سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد که خود موجب افزایش کار آمدی، کاهش تصدی گری، تمرکززدایی، رفع تعارضات ساختاری و افزایش پاسخگویی خواهد شد. با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می گردد: ۱- برای تحقق مشارکت سیاسی نیازمند یک حرکت دوسویه هستیم. یک حرکت از بالا به پایین که همان فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت فعالیت های سیاسی اجتماعی کارکنان برای حضور در عرصه های مختلف جامعه بویژه عرصه های عمومی است. آنچه به عنوان پیشنهاد اصلی در راستای هدف پژوهشی که همانا افزایش سطح مشارکت سیاسی کارکنان ارائه می گردد ارتقاء فرهنگ سیاسی در جامعه است. مشارکت سیاسی و فرهنگ مشارکت سیاسی محصول و محمل تعهد و مسئولیت پذیری عناصر مختلف جامعه است. ۲- تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی یکی از راه حل های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی است. افراد در قالب نهادهای اجتماعی دارای هویت مشترکی گردیده و زمینه ایجاد همکاری های گروهی در آنان ایجاد می شود. نتیجه فعالیت گروهی موفق نیز تقویت شبکه های اعتماد است. ۳- همان طور که قبلاً توضیح داده شد، سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر اقتصادی منتج از ویژگی های فرهنگی یک سیستم اجتماعی و سیاسی است، به بیان دیگر سرمایه اجتماعی تبلور اقتصادی فرهنگ اجتماعی یا سازمانی مبتنی بر اقتصاد و مشارکت افراد است. بنابراین هرگونه اقدامی از طرف مسئولین برای غنی سازی فرهنگ اجتماعی می تواند موجب افزایش سرمایه اجتماعی شود. مدیریت فرهنگ اجتماعی عمدتاً با توجه به نقش رهبری و سمبل های فرهنگی می تواند موجب تقویت مؤلفه های فرهنگی نظیر احساس هویت ملی و اجتماعی مشترک، امید به آینده، مشارکت، اعتمادهای بین فردی و گروهی و موارد مشابه گردد. استفاده مؤثر از رسانه های ارتباطی نیز در دنیای امروزی دارای نقش بسیار مؤثر و منحصر به فردی است. ۴- یکی از مهمترین فرآیندهای موجود در جوامع برای ایجاد سرمایه اجتماعی، نظام های آموزشی است. گذر افراد از آموزش های عمومی در تمام سطوح و نیز آموزش های دانشگاهی، نقش اصلی را در ایجاد این نوع سرمایه دارا است. مؤلفه های فرهنگی در سطح جامعه به شدت متأثر از عملکرد نظام های آموزشی و تربیتی هستند. ۵- و در آخر به مسئولین و مدیران کشور توصیه می گردد که سازمان ها در صورتی می توانند موجب سرمایه اجتماعی شوند که بیشتر روحیه همکاری و هدایت کننده باشند تا روحیه کنترل کننده، زیرا سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی به عنوان عنصری حیاتی جهت توسعه، به فراهم بودن بستری نیاز دارد که افراد به فعالیت در مسیرهایی تشویق و ترغیب شوند که آن فعالیت ها به خلق، نگه داری و بسط شبکه ها بینجامد.

منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرزو، نجفی، داود، محموداوغلی، رضا و صادقی نقدعلی، زهرا. (۱۳۹۲). رابطه شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه راهبرد، ۲۲(۶۶): ۲۸۴-۲۶۳.
- ۲- اسمعیلی، محمد، نامدار جویمی، احسان و عطاقر، علی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان (دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)، کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- ۳- امام جمعه زاده، سید جواد، مهربانی کوشکی، راضیه و رهبرقاضی، محمودرضا. (۱۳۹۳). بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)، فصلنامه راهبرد، ۲۳(۷): ۱۷۷-۱۵۳.
- ۴- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- ۵- جهانگیری، جهانگیر و شکری زاده، طاهره. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمان های غیردولتی زنان از دید اعضا در شهر شیراز. زن و جامعه، ۳: ۱۱۲-۱۲۳.
- ۶- راش، مایکل. (۱۳۸۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ۷- عابدی اردکانی، محمد و قزوی، زهرا. (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: مشارکت سیاسی زنان در ایران). ۲۹۸: ۲۹۸-۱۳۸.
- ۸- کاملی، م.ج. حبیب زاده، ا. (۱۳۸۹). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه اجتماعی در تغییر رویکرد سیاست گذاری و تصمیم گیری سازمان ها از شیوه های سنتی به شبکه ای (مطالعه موردی سازمان ناجا)، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، ۲(۱): ۱۵۹-۱۷۷.
- ۹- کلانتری، صمد. (۱۳۸۴). نگاهی نو بر مسائل اقتصادی، سیاسی و جامعه شناختی جهان سوم. تهران: انتشارات دانشکده امور اقتصادی.
- ۱۰- گلباغ اسدی، س. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی در بین کارکنان دانشگاه کردستان. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، گرایش تولید و عملیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، دانشکده علوم انسانی، ۱۷۶ ص.
- ۱۱- مهاجری، اصغر و ستوان، صادق. (۱۳۹۴). بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان، سومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه اطلاع رسانی نارکیش.
- ۱۲- موحد، مجید، عنایت، حلیمه و پورنعمت، آرش. (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان؛ مطالعه موردی زنان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی؛ ویژه نامه پژوهش های اجتماعی.
- ۱۳- میرحاجی، م. (۱۳۹۲). بررسی میزان تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر تعهد سازمانی کارکنان سازمان های دولتی استان آذربایجان غربی، پایان نامه کارشناسی ارشد. ۱۲۶ صفحه.
- ۱۴- ویسه، صیدمهدی، نوری، همایون و نامدار جویمی، احسان. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان (مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)، اولین همایش ملی الکترونیکی دستاوردهای نوین در علوم مدیریت و حسابداری.
- 15- Bari, F. (2005). Women's Political Participation: Issues and Challenges, United Nations, EGM/WPD-EE, p.8-11, Bangkok, Thailand.
- 16- Cochran, W.G. (1977). Sampling techniques. 3rd edition, Whley and Sons, USA, 428p.
- 17- De Toqueville, A. (1969). Democracy in America, New York.
- 18- Fukuyama, f. (1999). social capital and civil society. Prepared for delivery at the IM.
- 19- Fukuyama, f. (1997). Economic globalization and culture, the merrill lynch forum.
- 20- Lake , R., Huckfeldt, R. (1998). Social Networks, Social Capital, and Political Participation Political Psychology, vol(19) , pp: 567-584 .
- 21- O'Neill, B. (2004). Gender, Religion, Social Capital and Political Participation. Prepared for delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association.
- 22- Schussman, A., Soule, S. (2005). Process and Protest: Accounting for Individual Protest Participation. Social Forces, vol(84) , pp :1083-1108.
- 23- Seibert, S. Kraimer. M; Linden, Robert. (2001). A Social Capital Theory of Career Success. Academy of Management Journal, Vol. 44. No2.
- 24- Skoric, Marko M., Deborah Ying, Ying Ng. (2009). Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore, Journal of Computer-Mediated Communication, Vol. 14, No.2.
- 25- Ulzurrun, D. (2002). Associational Membership and Social Capital in Comparative Perspective: A Note on the Problems of Measurement, Politics & Society , vol (30) ,pp: 497-523.

26- Verba, S., Schlozman, K. L., & Brady, H. E. (1995). Voice and equality: Civic voluntarism in American politics, Cambridge, MA: Harvard University Press.